

یک مهمان ناخوانده و چند لشکر فراخوانده!

عطا خلقی دوم خرداد ۸۸
ata.kholghi@gmail.com

بالاخره سفر سیاسی نظامی هشت روزه خامنه ای به کردستان، به پایان رسید. مردم این دیار نیز فارغ از هجوم و ازدحام چند لشکر سپاهی نظامی و آخوند و لباس شخصی مزدور، و خلاصی از شر مهمان ناخوانده ای که وبال گردنشان شده بود یواش یواش به زندگی عادی خود بر می گردند.

هنوز بوی تعفن یار امام و پیروان رهبر، تنفس مردم را مشکل کرده است. هنوز دیوارهای بلند و نرده کشی خیابانها و حفاظ های حفظ جان آقا، سیمای شهرها را بی ریخت و عبور و مرور مردم را مشکل کرده است.

هنوز بازماندگان چهره های نا آشنای شهر که خودشان را در لباس های محلی مردم کردستان استتار کرده اند، تهوع آور است. هنوز دیدن پژمردگی گل و گیاه بلندی های کوه آبیدر که زیر پای آقا لگد مال شدند برای عشاق سنندجی و جوانان و همه آنهایی که در دامن این کوه سربلند و قهرمان پرور بزرگ شده و برخاسته اند، دل آزار است.

خامنه ای آمد و رفت اما در طول هشت روزی که وبال گردن کردستانی ها بود، هر جا که پا گذاشت جنایتی بزرگ از سلسله جنایات اسلامی که در طول سی سال حاکمیت سرمایه و پاسداران سرمایه در کردستان روی داده اند را، به یاد آورد! سفر و حضور خامنه ای در کردستان فرمان خمینی جلاد در یورش وحشیانه سپاهیان اسلام و رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به کردستان در اولین روزهای بعد از قیام ۵۷ را، به یاد آورد!

قتل عام ها و اعدام های دسته جمعی و کشتارهای مخفیانه و لت و پار کردن جوانان در شکنجه گاه های اسلام را، به یاد آورد! آوارگی های مردم و تبعید کردن پدران و مادران سالخورده به دور افتاده ترین نقاط کشور را، به یاد آورد! درد و رنج مادران و پدرانی را که فرزندان شان در اسارت زندان بانان این رژیم بودند و هستند را، به یاد آورد! لحظات پراز بیم و هراس پدر و مادر پیر و بستگان جوانان محکوم به اعدامی چون: فرزاد کمانگر و انور حسین پناهی و... را، به یاد آورد! زندانی کردن فعالین جنبش های کارگری و زنان و دانشجویان و شلاق خوردن کارگران شرکت کننده اول ماه مه سال گذشته و دستگیری های دسته جمعی چند ماه اخیر کارگران در سنندج و شرکت کنندگان اول ماه مه امسال را، به یاد آورد!

سفر خامنه ای به کردستان، یک سفر عادی یک مهره حکومتی نبود. سفری ویژه با اهدافی تعریف شده، یک مانور نظامی تمام عیار، یک نمایش قدرت و یک اعلان جنگ بود.

خامنه ای و برنامه ریزان حکومتی مستقر در سپاه پاسداران آگاهانه کردستان را برای یک مانور نظامی و یک نمایش قدرت انتخاب کرده بودند تا به همه مردم ایران و بویژه مردم مبارز کردستان اعلام کنند که هنوز هستند و هنوز قادر به سرکوب و لشکر کشی اند.

آنها همه تلاش شان را بکار گرفتند تا برای زهر چشم گرفتن از مردمی که شهر و دیارشان همواره کانون مبارزه و سنگر دفاع از آزادی و انقلاب بوده است، مانور نظامی بی سابقه ای را سازمان دهند تا از موضع قدرت به این مردم گفته باشند:

دست نگه دارید! علیه اسلام، علیه سرمایه، علیه زندان و شکنجه، علیه اعدام و سنگسار، برای آزادی های فردی و اجتماعی، برای آزادی زندانی سیاسی، برای حق تشکل، برای مطالبات اقتصادی و سیاسی، برای حقوق شهروندی، برای زندگی بهتر، تجمع نکنید؛ به خیابان نیائید؛ ما میگیریم! زندان میکنیم! شکنجه می کنیم! اعدام می کنیم!

آنها در عین حال از هر امکانی استفاده کردند تا با شبیه سازی های دروغینی تسلیم و اطاعت مردم مبارز کردستان را نمایش دهند و وانمود کنند که این مردم تا چه حد به این رژیم و به این سیستم و به این حکومت وفادارند و تا چه اندازه شیفته و چشم براه سفر و حضور سران و سردمداران حکومتی و بیشتر از همه سر دسته جلادان این رژیم اند.

در جریان این سفر جنجالی و هدفمند، با یک برنامه ریزی وسیع و بکار گیری کلیه امکانات دولتی و انواع صحنه سازی های دروغین خواستند به مردمانی دیگر، مردمانی خارج از کردستان القا کنند که مردم کردستان چگونه خود را برای پذیرایی از آقا آماده کرده اند و تا چه اندازه مشتاق دیدار یار امام اند!

برای اینکه این نمایش مسخره را رنگ و لعاب بیشتری زده باشند، با صدور پی در پی اطلاعیه ها و بیانیه هایی جعلی از سوی مردم وانمود می کردند که گویا مردم طاقت شان طاق شده و کاسه صبرشان لبریز شده و خواب و خوراک ندارند و بی صبرانه منتظر نزول اجلال مقام معظم رهبری در شهرشان هستند!

هر از گاهی هم برای اثبات اینکه این همه آدم که پای منبر آقا دست به سینه ایستاده و به فرمایشات آقا گوش دل می دهند، کردستانی اند نه از لشکریان اعزامی! دست بوسان محلی معلوم الحالی را که در لیست داشتند، می آوردند تا بر پیشانی رهبر بوسه زنند و چفیه مبارکش را به رسم تبرک از آقا گدایی کنند!

جمهوری اسلامی با بکارگیری کلیه امکانات تبلیغی و تدارکاتی اش کوشید تا باصحنه سازی های مسخره ای استقبال از خامنه ای را به مردم مبارز کردستان نسبت دهد.

کارگردانان این نمایش مسخره و قلابی وانمود میکردند که این همه تدارکات و این ازدحام و این نعره های اله اکبر و این شعارهای: خامنه ای، خامنه ای، از حلقوم مردم کردستان بیرون می آیند. آنها تلاش کردند همه این تدارکات و این سازماندهی های رنگارنگ حکومتی را خودجوش و مردمی و از جانب مردم جا بزنند.

با این حال و علیرغم همه تکاپوهای رژیم برای نسبت دادن چنین اتهاماتی به مردم مبارز کردستان و بد نام کردن آنها، همه و بیشتر از هرکسی خود آنهایی که در هیئت های رنگارنگ لشکرهای سپاهی و نظامی و گردان های بسیجی و لباس شخصی که از گوشه و کنار مملکت و استان های همجوار به کردستان اعزام شده بودند؛ می دانند که این شعار ها را چه کسانی دادند و چه کسانی تکرار کردند و شرکت کنندگان این نمایشات مسخره و ترکیب این ازدحام چند هزار نفری چه کسانی بودند!

مردم کردستان که خود و در و همسایه و هم محله ای ها و همشهری های شان را بهتر از هر کسی می شناسند، می دانند که نه از قبل کسی برای استقبال آقا کوچه و محله اش را آب و جارو کرده است، نه کسی به میمنت و مبارکی سفر " رهبر " اسپند دود کرده است، و نه کسی به میل و اراده خود پرچم و پلاکاردی را به دست گرفته است و نه کسی هم قاطی صف مزدوران استقبالی آقا شده است.

مردم کردستان با نفرت عمیقی که از جنایتکاران این رژیم دارند، حتی برای تماشای این سیرک هم از خانه بیرون نیامدند و آن عده ای هم که بهر دلیل مجبور به بیرون آمدن از خانه شدند، جک گفتن در جمع و محفل های شان و به سخره گرفتن این نمایش را به تماشای آن سیرک ترجیح دادند.

البته در این میان مشتکی آخوند شناخته شده کهنه ساواکی و نان به نرخ روز خور و مشتکی مزدور تازه به دوران رسیده که لیست همگی آنها در دست است، به دست بوسی آقا رفتند تا دمی برای آقا بجنبانند و آقا هم دستی به سر و گوششان بکشد.

عکاسان و خبرنگاران میدیای مزدور هم آگاهانه این دست بوسی ها و دم جنباندن های مزدوران محلی را زوم کردند، روی آنها مکت کردند و تصاویر بزرگ شده شان را نشان دادند تا به مردم ایران بیاورند که آقای شان چه شیفتگان و مریدانی در میان مردم کردستان دارند! قطعاً اگر مردم کردستان در رفت و آمدهای عادی شان آنچنان زیر ذره بین نمی رفتند و بازرسی نمی شدند و شهرشان توسط لشکریان اسلام و پاسداران سرمایه قرق و اشغال نظامی نمی شد و فضا آنچنان خفقان آلود نبود، و مزدوران رژیم سایه به سایه تک تک رهگذران را تعقیب نمی کردند، نشان می دادند که چه نفرت عمیقی از این رژیم و از رهبرش و از همه سران و سردمدارانش دارند.

مردم کردستان به درست در آن جو بغایت پلیسی و خفقان آلود و سنگین نظامی ریسک نکردند تا نفرت و انزجارشان را به حضور سر دسته تبهکاران و جنایتکاران ابراز کنند و عملاً "مهمان نوازی" واقعی خود را از این مهمان ناخوانده آنطور که شایسته یک جنایتکار است ابراز کنند.

مردم کردستان می دانند که ضربه خود را کی بزنند و چگونه خود را از نسبت دادن این اتهام بزرگ که گویا به استقبال سر دسته جنایتکاران و تبهکاران رفته اند، مبری سازند!

مردم کردستان می دانند که یکی از مأموریت های مهم خامنه ای بازار گرمی برای انتخابات بود.

این مردم مبارز تصمیم دارند با تحریم یکپارچه این مضحکه نه تنها این نمایش مسخره را به باد استهزاء گیرند، بلکه با این قدام شان نقش آقا را در این مأموریت مهمش نقش بر آب سازند و در عین حال به شخص آقا و به کارگردانان و سازماندهندگان استقبال نمایشی از خامنه ای بگویند و بفهمانند که شهروندان حقیقی و واقعی کردستان همین هایی هستند که به کلیت رژیم جمهوری اسلامی و به مضحکه انتخابات و به همه کاندیداتورهای ریاست جمهوری نه میگویند! نه آن چند لشکر سپاهی نظامی و لباس شخصی اعزامی به کردستان که خواستند آنها را به نام "مزدوران غیور کردستانی" قالب کنند!

مردم کردستان با تحریم قاطع مضحکه انتخابات، شائبه پراکنی های رژیم و این توهین بزرگ را که گویا مردم کردستان از خامنه ای جنایتکار استقبال کردند، تکذیب و با این اقدام شان از خود اعاده حیثیت خواهند کرد.

شهروندان حقیقی و واقعی کردستان با تحریم قاطع مضحکه انتخابات، به رژیم و افکار عمومی ایران و جهان ثابت خواهند کرد که این اتهام بزرگ و این تدارک جعلیاتی که خواستند از طریقش مردم مبارز کردستان را وفاداران این نظام ضد بشری و سران جنایتکار و رهبر سوپر جنایتکارش جا بزنند، ناروا، دروغ و بی اساس است.

توده وسیع مردم مبارز کردستان با تحریم قاطع مضحکه انتخابات، اثبات خواهند کرد که حساب چند میلیون شهروند این دیار با مشتکی مزدور و نوکر و دست بوس که پیشه ای جز مزدوری و کاسه لیزی ندارند و از توپره ارگان های سرکوب و تحمیق رژیم تغذیه می شوند، با خود فروختگانی چون امام جمعه سنج و آخوندهای شهرهای دیگر کردستان و نمایندگان مجلس اسلامی و مجلس خبرگان و چند مزدور دیگر که به نام مردم کردستان و از سوی آنها حرف زدند، مدیحه سرایی کردند و در ثنای اسلام و رهبر جهان اسلام شعر خواندند و چفیه آقا را بوسیدند و کفش های آقا را لیسیدند، جداست!

مردم مبارز کردستان این کتافات را از خود نمی دانند. اینها مشتکی مزدور و کهنه ساواکی و کار چاق کن های پس مانده دو خرداد و مقاطعه کاران و سرمایه دارانی هستند که یک سرشان به سپاه و اطلاعات وصل است. همه این مزدوران برای مردم شناخته شده اند.

مردم کردستان این مزدوران و این فرصت طلبان را از خود نمی دانند. اینها چهره های شناخته شده ای هستند که با مشخصات کامل در لیست بقیه نوکران و جیره خواران رژیم منظور شده اند تا به وقت خودش بابت خوش خدمتی های شان مواخذه گردند!

توده مردم کردستان آن مردم مبارزی هستند که همواره با این رژیم با سیاستهایش با مرامش با آیین اش ضدیت داشته اند و در تدارک پایین کشیدن و به گور سپردنش بوده اند.

کارگردانان و تدارک چیان سفر خامنه ای به کردستان خیلی تلاش کردند تا ضمن برگزاری این مانور نظامی و زهر چشم گیری از مردم، سفر خامنه ای را برای مردم کردستان پر از خیر و برکت نشان دهند. اما کیست که نداند که مأموریت اصلی خامنه ای در این سفر چه بود؟!

خامنه ای به کردستان نرفت تا از مردمی که زیر نکت اسلام و حکومت اله زجر دیده اند و له شده اند، عذرخواهی و دلجویی کند و وعده دهد که از این پس کسی به زندان نمی رود، کسی شکنجه نمی شود، کسی در ملاء عام شلاق نمی خورد، کسی به مرگ محکوم نمی شود، دیگر جنازه لت و پار شده کسی در خارج از شهر پیدا نمی شود؟

خامنه ای به کردستان رفت تا از سپاه ضد شورش و ضد قیام و ضد انقلاب مستقر در کردستان، سان ببیند و از نزدیک ابزارهای حدادی شده ارگان های سرکوب مردم را بازدید کند و به فرماندهان نظامی و شکنجه گران این مردم دست مریزاد بگوید و مدال جنایتکاری به سینه شان الصاق کند!

خامنه ای به کردستان رفت تا منفورترین ارگان سرکوب در کردستان، یعنی سازمان پیشمرگان مسلمان کرد را بازسازی کند و مشتی مزدور محلی معلوم الحال با پیشینه جنایتکاری در کردستان را تجدید سازمان کند!

خامنه ای به کردستان نرفت تا از نزدیک با زندگی فلاکتبار کارگرانی که هنوز دستمزد چند ماه شان در گرو کارفرمایان و سرمایه داران است، آشنا شود و دستور بهبود اوضاع را بدهد. مأموریت او تشویق همان کارگران مزد نگرفته و اخراج شده و بیکار بود تا در مضحکه انتخابات این دوره شرکت کنند و به رئیس آتی دولت جنایتکاران رأی مشروع بدهند!

خامنه ای به کردستان رفت تا در جریان نمایش قدرت یک مانور نظامی و به عنوان فرمانده کل قوا، مردمی را که سی سال بابت انقلابی بودن و مبارز بودنشان تاوان های سنگین انسانی داده اند و داغ از دست رفتن عزیزان شان را از یاد نبرده اند، به ضرب ارباب از سویی و دادن وعده و وعیدهای سرخرمن ازسوی دیگر؛ وادار سازد تا به استقبالش بروند و هلله و شادی کنند و با رضای خاطر در انتخابات شرکت کنند و حتماً هم به نورچشمی ایشان یعنی آقای احمدی نژاد رأی دهند!

خامنه ای به هر منظوری که راهی کردستان شده باشد، و با هر وعده و وعید فریبکارانه ای ظاهر شده باشد، و فرامین و دستورات اجرایی اش به هر شکل و اندازه ای در قالب بهبود اوضاع مردم بسته بندی شده باشد، نه از بار جنایاتش سبک می شود و نه توهم کسی را بر می انگیزد. و نه رغبتی در مردم برای شرکت در مضحکه انتخابات ایجاد خواهد کرد!

انگیزه خامنه ای و دست بوسانش برای سفر به کردستان هرچه بود، مردم کردستان را از اینکه حضرتشان کرم فرمودند و با نزول اجلال شان چند روزی وبال گردن این مردم مبارز بود، خشنود نمی سازد و از روند مبارزاتی ایکه سالهاست در دستور دارند و امروز کارگران نقش تعیین کننده ای در پیشبردش دارند، کوتاه نمی آیند و به کمتر از سرنگونی رژیم و محاکمه سران و سردمداران و تک تک کسانی که نقشی در جنایات سی ساله این رژیم داشته اند، راضی نخواهند بود!